

## کهنه کتابها درباره ایران

### ۳ - چهیل سوتن

#### Cehil Sutun

قطع خشتی، ۹ برک + ۴۷۴ ص + ۳ برک

چاپ وین، ۱۶۷۸ میلادی

نام این کتاب لاتینی را مؤلف بخط عربی در پشت جلد «چهیل سوتن» و در چهار جای دیگر (ضمن مقدمه) «چیل سوتن» می نویسد و مرادش اشاره است به عمارت «چهل ستون» در اصفهان، بمناسبت آنکه موضوع کتاب چگونگی اوضاع ایران در عهد پادشاهی شاه عباس دوم است و اشاراتی هم در باب شهر اصفهان دارد.

نام لاتینی کتاب اینست:

**Cehil Sntun, Seu Explicatio Utriusque Celeberrimi ac pretiosissimi  
Theatri Quadraginta Columnarum in Perside Orientis.**

چهل ستون تألیف یکی از ارمینیان ایرانی بنام «پدروس بدیک» (Petrus Bedik)

است که آنرا بنام لئوپلداول (۱۶۴۰-۱۷۰۵)، که در ۱۶۵۸ با امپراطوری رسید) نوشته

و در سال ۱۶۷۸ میلادی در شهر وین به چاپ رسیده است.

مؤلف، فارسی می دانسته و مقدمه کوتاهی در سبب تألیف کتاب بزبان فارسی

نوشته است که نقل عین آن خالی از فایده نخواهد بود:

«قطع نظر از این معنی که چون من ضعیفی مؤلف این نسخه است توان گفت که مؤلفی در باب خود نظیر و مانند وی نباشد، چه اتفاق تألیف چنین کتابی نبوده مگر از اقتضای عهد (۱) میمون (۲) و اختر هایون [۱] علیحضرت قیصر (۳) جم‌جاه سهر بار گاه انجم سیاه لشکر پیرای (۴) رعیت پرورد، فرمانروای هفت کشور، غره جهاننداری، باصرة (۵) سلطنت و کامکاری، نوردیده عیسویه، خلاصه دودمان اوجق رومیه، صاف شراب صفوف قطولبغه (۶)، نتیجه جوهر فتوت، مجمع فرز انگی، مظهر مردانگی، برگزیده (۷) قوانین عدل و انصاف، آبروی (۸) دولت، بهار گلزار ملت و ولایت، ملکه شجاعت، مرکز سخاوت، پادشاهی و قیصری (۳) که جهان نایابدار از استواری (۹) عهدش یابدار شود [و] عالم بی اعتبار از محکمی (۱۰) بنیان دولتش اعتبار پیدا کرد و از شوکتش شوکت سعود پذیرفت (۱۱)»

۱ - اصل عهد ۲ - اصل: میمون ۳ - اصل: قیصر ۴ - اصل: پیرای ۵ - اصل: ناصرة

۶ - یعنی کاتولیکیه ۷ - اصل: برگزیده ۸ - اصل: آب روی ۹ - اصل: اسواری

۱۰ - اصل: محکمگی ۱۱ - اصل: یزپرورد

و دولت از مصاحبت موکبش بر آفتاب سایه گستر [د]. مظفری که ظفر از کمر بستگان خدمت او است، منصورى که نصرت را ملازمان حضرت او با آفتاب در تلاش است و از عهده شکر معدلتش مگر انصاف گرک و تظلم ظالم مظلوم بدر تواند آمد و وصف مکرمتش را مگر عجز زبان ناطقه و ضف قوت اندیشه بهمه تواند گرفت. بی شائبه تکلف توان گفت که بر هیولای (۱) چنین صورتی فایض نگشته و عناصر پادشاهی مزاجی باین اعتدال تعلق نگرفته و ارکان جهان داری را باین تمامت رون داده و ماده قابلیت عالمگیری هرگز مستعد چنین فعلیتی نبوده و هو الملك العادل و السلطان الصالح و الخاقان محمود، اماظم السلاطین العیسویه (۲) السلطان بن السلطان و الخاقان بن خاقان ابوالنصر ابوالفتح لهیلدوس Leopoldus قیصر روم شهنشاه جوان سال جوانیخت زینت تخت زمش آسمان ولایت نمیش (۳) احفظه الله تعالی عهد ملکه و سلانه و ادام علی العالمین فیض بره و احسانه. من دعا کردم بی کران آمین! آمین! بگویند این دعا که فرض است بهر پیر و جوان و ارکان دولت و این نسخه گرامی موشح بنام نامی و القاب سامی این قیصر که اگر از اعتبار مؤلف عاری است بسبب مؤلف له اعتباری گیرد که بر مؤلفات اولین و آخرین تفوق یابد (۴) و هزاران جان مثل جان من بریای سمنش فدا (۵) باد.

این کتاب نفیس به ۳۳ باب تقسیم شده است و موضوع آن چگونگی اوضاع اجتماعی و حالت سیاسی و سیر تاریخی ایران و آداب و رسوم و عقاید و افکار مردم این سرزمین در عهدی است که مورد توجه فرنگیان بوده و بقول معروف از قدرت پادشاهی صفویان حساب می بردند.

درین کتاب صورت نقاشی شده دربار شاه عباس دوم دیده میشود که جمیع بزرگان و وزرا گرد آمده اند و در عمارت چهل ستون بر ابر شاه نشسته اند. دوشیز زنده هم در پیشاپیش بارگاه بدست دو «شیردار» است.

#### ۴ - عنصر های زبان فارسی Rudimenta Linguae Persicae

قطع خشتی، ۴ برگ + ۹۵ ص  
چاپ لندن، ۱۶۳۹ میلادی

فرنگیها درباره دستور زبان فارسی از سیصد و سی سال پیش تا کنون کتابها و رساله ها و مقاله های متعدد نوشته اند که برخی از آنها مفصل و دقیق و مورد کمال استفاده است.

۱ - اصل: هولای ۲ - العسویه. ۳ - یعنی «نمسه» و نمسه نامی است که از عهد صفویه به اطریش داده شده، سبب هم آنست که روسها ملل ساکن پروس و اطریش را بزبان خود «نمتر» می گفتند و ما لفظ مزبور را به «نمسه» برگردانده ایم. ۴ - اصل: یابت ۵ - اصل: فیدا.

بنابر فهرستی که من بنام « کتابشناسی دستور زبان فارسی » فراهم آورده‌ام تعداد کتابها و رساله‌ها و مقاله‌هایی که از خودمان و دیگران در باره دستور زبان فارسی نوشته شده بالغ بر ۲۴۸ تاست؛ و اگر کتاب‌ها و رساله‌های دیگر را که به هشتاد جلد بالغ می‌شود و پس از چاپ « کتابشناسی » بدست آورده‌ام، یا در این سالهای اخیر طبع شده‌است بر تعداد مذکور در فوق بیفزائیم و عده کتابها و رساله‌های تألیف فرنگیان را مجزا حساب کنیم معلوم میشود که نلت این کتاب‌ها و رساله‌ها و مقاله‌ها از زیر دست فرنگیان بیرون آمده است. (۱)

تا آنجا که من تجسس کرده‌ام قدیمترین دستور زبان فارسی تألیف فرنگیها همین کتابی است که مورد بحث ماست. این کتاب در سال ۱۶۳۹ در شهر لیدن طبع شده و مؤلف آن همان کسی است که دو کتاب « داستان مسیح » و « داستان پیدرو » را که مردی مسیحی در عهد اکبر شاه هندی نوشته بوده در شهر لیدن بطبع رسانیده است و ما در شماره اول امسال یغما آن دو کتاب را معرفی کردیم.

« عنصرهای زبان فارسی » عنوان فارسی است که « دیو » به کتاب دستور زبان فارسی خود داده و نام لاتینی آن در صدر مقاله نوشته شده است.

زبان کتاب - بمرسوم آن عهد که کتابهای علمی را بیشتر به زبان لاتینی مینوشتند - لاتینی است. تبویب و فصل بندی کتاب و موضوع هر فصل باین شرح است:

### کتاب اول: کلمه های زبان فارسی

#### کتاب دوم: فعل

فصل اول: ضمیر فاعلی متصل

فصل دوم: زمان

فصل سوم: انواع فعل (متعدی، لازم، مجهول)،

فصل چهارم: صرف فعل‌های دسته اول (افعال مختوم به «تن») در چهار قاعده،

فصل پنجم: صرف فعل‌های دسته دوم (افعال مختوم به «دن») در پنج قاعده،

فصل ششم: قاعده طیفه بندی افعال

۱ - کتابشناسی دستور زبان فارسی مندرج در فرهنگ ایران زمین (ج ۲، ۱۹۰۳-۴۴). آقای دستر محمد معین نیز نام برخی از دستورهای زبان فارسی را در پایان رساله‌های « طرح دستور زبان فارسی » آورده‌اند. آقای مجتبی مینوی نیز درباره دستور زبان فارسی مقاله‌ای در همین محله (سال ۱۳۳۰-۴۴۶) طبع کرده‌اند که اشاراتی به کارهای فرنگیها دارد.

فصل هفتم : فعلهای مرکب با «در» ، «بر» ، «باز» ، «سر» ، «وا» .

### کتاب سوم : اسم و ضمیر

فصل اول : اسم ،

فصل دوم : جمع اسم ،

فصل سوم : مضاف الیه و مفعول الیه ،

فصل چهارم : قاعده بنا کردن اسم از فعل و صفت و ساختن صفت از فعل ،

فصل پنجم : اسم مرکب و حالت وندهایی که با اسم ترکیب میشود ،

فصل ششم : عدد ،

فصل هفتم ضمیر .

### کتاب چهارم : ظرف مکان و زمان ، حروف اضافه ، عطف ، تعجب .

فصل اول : ظروف مکان و زمان ،

فصل دوم ، حروف اضافه ،

فصل سوم : حروف عطف و ربط ،

فصل چهارم : حروف تعجب .

در پایان این کتاب دو فصل از ترجمه فارسی «سفر پیدایش» (جزئی از تورات)

آورده شده است . نام مترجم را مؤلف عنصر های زبان فارسی « یعقوب طاووسی »

(Jacobi Tawusi) می نویسد و از همین دو فصل شیوه کهنگی نثر مشهود است . بهمین

سبب نقل قسمتی از فصل دوم آنرا درین صحائف سودمند میدانند . متأسفانه مؤلف

نشانی نسخه ای که دو فصل مذکور را از آن نقل می کند بیان نکرده است . اینک

قسمت اول از فصل دوم سفر پیدایش :

و تمام شدن آن آسمان و آن زمین و جمله سپه ایشان .

و تمام کرد خدا در روز آن هفتمی کار او آنچه کرد و معطلی فرمود در

روز آن هفتمی از جمله کار او آنچه کرد .

و آفرین کرد خدا مرروز آن هفتمی و خاص کرد اوی را که درو معطلی

فرمود از جمله کار او آنچه آفرید خدا بکردن .

اینان پیدا شدنهای آن آسمان و آن زمین در آفریده شدن ایشان در

روز کردن خدا زمین و آسمان .

و همه درخت آن دشت پیش باشد در زمین و همه گیاه آن دشت پیش بروید

که نه باراند خدا ابر آن زمین و آدم نبود بکار کردن مر آن زمین .

و بخار بر آید از آن زمین و آب دهد مرهمه روی آن زمین .  
 و آفرید خدا مر آن آدم خاك از آن زمین و بدمید در بینی او نفس زندگی  
 و بود آن آدم بجان زنده .  
 بنشاند خدا بستان در بهشت از پیش بنهاد آنجا مر آن آدم آنچه آفرید .  
 برویاند خدا از زمین همه درخت آرزومند بیدیدار و نیکو بخوردن و درخت  
 آن زندگی در میان آن بستان و درخت آن دانش نیک و بد . . . . «

## تصحیح لازم

شماره اردی بهشت ۱۳۳۷

صفحه ۶۷ سطر ۱۰ :

... در وقفنامه مورخ رمضان ۷۰۳ نوشته شده : « با وجود لطمه شدیدی که لشکریان  
 ملك سلجوق در سده ششم به هراسکان وارد ساخته اند . . . » و حال آنکه این عبارت وقفنامه نیست  
 و جمله ای از مقاله جناب آقای صالح است که مصحح مجله با اشتباه عبارت وقفنامه دانسته و مراد این  
 است که :

با وجود لطمه شدیدی که لشکریان ملك سلجوق در سده ششم به هراسکان وارد ساختند از وقفنامه  
 رمضان ۷۰۳ معلوم می شود این قریه در اوایل سده هشتم تاحدی آباد بوده و عایداتی داشته است .

صفحه ۸۴ سطر آخر :

بجای کلمه « مطهری » « سطری » چاپ شده .

صفحه ۹۴ سطر ۲۰ :

« بنهفت » غلط ، و « بنهفت » درست است



از خوانندگان محترم مجله خواهشمند است تصحیح فرمایند و از آقایان صالح و مطهری و  
 خوانساری ممنرت می خواهم .